



(۲)

تاریخ و سرگذشت مشترک ایران و افغانستان

بقلم آقای دکتر محمود افشار

شماره‌های ۷۹۶۵ سال پنجم

در سه شماره اخیر ماهنامه تحقیقی گوهر مقالاتی از دوست دیرین و فاضل ارجمند آقای دکتر محمود افشار خواندم چون ایشان در پایان مقال و عده داده‌اند در آینده کتابی بنام (افغان‌نامه) خواهند نگاشت تذکار چند نکته را ضرور دانستم .

افغان و افغانستان - نخست آنکه ارتباط این بیت از غزل مولوی

که یا ترم زیابل اما زرشک جان مهریست بردهانم و افغانم آرزوست
 را با نام افغان جز مشابهت لفظی ندانستم . دیگر آنکه درباره پیشینه نام افغان و افغانستان اگر چه در گذشته میان دو ملت جدائی نبوده است پیش از همه در سنگ نگاره نقش رستم و آهانه ایکان آمده است در آنجا که شاپور بزرگ، کوشان شهر را جزو قلمرو خویش بحساب می‌آورد . سپس در حدود العالم، و آهانه اونیان بنام قوم آمده است و از او آخر سده هفتم هجری در تاریخنامه هرات، اوغانستان در کنار سند (رود مهران) در سنگی و چند دهکاهه باین نام یاد شده است .

و راهامهر ۲ ، ستاره‌شناس نامی سده ششم میلادی که ابوریحان بیرونی از او بنام

* آقای مجید یکتالی مشاور عالی کتابخانه پهلوی از نویسندگان محقق و صاحب نظر معاصر

گراز مهر نام میبرد، آوگانا را در پیرامون کوه سلیمان^۳ بنام قومی یاد میکنند. ولسی هیچیک ازین پیشینه‌ها وریشه‌واژه‌گواه جدائی و دوگانگی نیست. دین مردم آن سامان در گذشته زرتشتی بود که فرنگیها بغرض از آن بآتش پرستی یاد میکنند!

در تاریخ مختصر افغانستان چنین آمده است: «بهترین مظهر این مذعب و عمر کوشانی بقایای مندر (پرستشگاه) مهادرژ نوشاد بغلان است که آثار آن در سرخ کتل از زیر زمین برآمده و بزرگترین پرستشگاه آتش مقدس زرتشتی بوده» و نازمان طاهریان آتشکده ما در آن دیار بود که آتشکده ملان هرات راشبانه خراب و بمجسد تبدیل کردند. پس از آن مدتی دین مردم آن دیار مهری و بودائی و سپس اسلام بود. افغانها در افغانستان پیارسی زبانان پارسیون و به پشتو زبانها در گفتار عامیانه اوغان یا افغان و بزبان فارسی، زبان دری گویند که ماهم گاه میگوئیم. در قانون اساسی افغانستان که در زمان امان‌الله خان تنظیم شده افغانی بمعنی پشتو بکاررفته است بزبان پشتو در شمال هند، در سواالی پیشاور، پختو گویند و در جنوب در حدود قندهار پشتو باشین کشیده.

میدانیم خراسان بزرگ دارای چهار مرکز بوده است: بلخ، هرات، مرو، نیشابور که اکنون دو مرکز آن بلخ و هرات در افغانستان و مرو شاه‌یجان در ترکمنستان شوروی است.

کوشان-در زمان اشکانیان که شاهنشاهی آنان از دولتهای متحده بود. و از همین رو آنان را ملوک الطوائف نوشته‌اند، هراستان شاهی داشت که از شاهنشاه اطاعت میکرد مانند گیلانشاه، سکانشاه، کرمانشاه، مکران‌شاه، کابلان‌شاه و کوشان شاه و چون سلطنت بساسانیان رسید در مرکزیت کوشیدند و شاهان محلی از میان رفتند. در الکامل ابن اثیر در وقایع دوران اردشیر ساسانی آمده است که وقتی او بشهر گور آمد پیامبران پادشاه کوشان و توران و مکران برای فرمانبرداری پایوان شاهی آمدند. سرزمین نزدیک پیشاور و قندهار هندوشاه بود و در شمال آن کابل‌شاه. در مسالك و ممالك ابن خردادبه زیر نام شاهانی که اردشیر با پکان آنان را شاه نامید. نامی از کوشانشاه آمده است. **یا قوت حموی** زیر نام کوشان گوید ایل کوچکی است آنسوی ترکستان نزدیک کیماک^۴. در شاهنامه فردوسی بضبط ولف نوزده بار نام کوشان آمده است که هفده بار آن در زمان رستم است و دو بار در زمان شاهنشاهی ساسانیان از جمله:

کوشانی و سغدی شدند انجمن پراز آب رخ کودک و مردوزن^۵

و جای دیگر از قول خاقان چین از جنگ با هیطالیان.

کشان زمین پادشاهی مراست که دارند ازو چینیان پشت راست^۶

اما فردوسی، کابل‌شاه بکار میبرد نه افغانستان یا خراسان بزرگ او نام ایران را بکار میبرد امروز افغانستان نام آریانا را نیز برای این منظور بکار میبرند. از نقشه‌هایی که از کوشانیان بر جامانده پوشاک آنان نیز با جنگ افزارشان همانند ایرانیان است.

اکنون چند سال است که افغانستان و تاجیکستان کوشش دارند ریشه قومی خود را به کوشانیان پیوندند و برای اینکار کنگره‌ای در دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) برپا داشتند ولی چنانکه دیدیم اگر روی نوشته‌های مورخان حساب کنیم آنان قوم کوچکی در جنوب افغانستان و شمال پاکستان امروز بوده‌اند مانند اقوام دیگر ایرانی تنه‌دوره کوتاهی در زمان کنیتک تا اندازه‌ای خود مختاری داشته‌اند. اکنون گذشته از همبستگی‌های دیرین تاریخ، با برادران افغانی اگر نفاق و دوگانگی زمانی بوده است از جهات سیاسی بوده نه فرهنگی. پنج سال پیش که بهمان دولت افغانستان بودم در انجمن تاریخ و انجمن مطبوعات این مطالب عنوان شد بویژه آنکه دیدم برادران افغانی مامولوی و سنائی و جامی را از خود میدانند. کهنم بسیار خوب فردوسی و سعدی و حافظ هم از شماست چون تمدن و فرهنگ ما از هم جدا نیست اما چرا زبان شیرین این سخنوران بزرگ و نام‌آور را پاس نمی‌دارید زبانی که زیبا و تواناست و دارای غنی‌ترین ادبیات جهانست.

در پایان دوران نادرشاه بهنگامیکه شاهنشاه از هندوستان باز میگشت، عاشق‌خان غلزایی که یکی از سرداران سپاه نادری بود بکابل گریخت. نادرشاه ظهاسب‌خان و فتحعلی‌خان کیانی سردار سیستانی را برای دستگیری او بکابل فرستاد از آن هنگام انگلیسیها برای استعمار هندوستان نقشه می‌کشیدند. در زمان قاجار از ضعف حکومت مرکزی استفاده کرده. شاه‌شجاع پسر تیمورشاه از طرف انگلیسیها در افغانستان تسلطت رسید و از آن زمان میان ایران و افغانستان و هندوستان نفاق افکندند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. - Abgan

۲ - وراذامیثرا - باستانی

۳ - کوه سلیمان میان پاکستان و افغانستان است.

۴ - دره جم‌البلدان

۵ - شاهنامه باه تمام دبیرسیاقی دفتر پنجم بیت ۱۸۵۵

۶ - شاهنامه باه تمام دبیرسیاقی دفتر پنجم بیت ۱۹۱۱